

باشند که همه حاضر شوند و یک کس با طعن آنت که از غناست غایب
باشد شخصی گفت بلی والله که از غیب ما است و بولرز از آن بود
طالب است و از اولاد عبدالملک باشد پس حرف نبرد
المطلب برخواست و گفت این عیب باشد که فرزند عبدالملک
از ما غایب بود و او را بر گرفت و بر سر طعام نبرد و در راه که می آید
ایر با وی میرفت و بجز آنرا می دید و نیز در وی نگاه میکرد تا
اعضای وی احتیاط کرد و برصفت او مطلع شد و چون قوم
منتظر می شدند بجز این پیش وی رفت و گفت ای پسر ترا با
و غمی سوگند میدهم که آنچه از تو سوال کنم جواب گوی خود که
مرا بر لاف و غمی سوگند می دهی که آنها را بخت دشمن میدادیم بجز
گفت بجز این سوگند که ما جواب گوی خود که سوال کن بجز این است
و سوال از حالات و صفات و عوالم وی میکرد و او جواب می
میگفت و احتیاط چشم بر تو را و کرد و جامه از پشت برادر وی
چرا گرفت و خاتم توبه را بر سینه تویس چون آن حال مشاهده
کردند گفتند بجز این پیش را هب غریبی هست و بوطالب تسالک
شد و راهب با وی گفت این پسر از آن کیست گفت اذن از
راهب گفت این را پدر ما زنی شد و بوطالب گفت برادر زاده است
و در شغل ما نرود که بدوش خود ما هر تیر نماند راهب گفت این را با
ما نرود و با خود شام می خورد و او را از هر دو نگاه دارد و آمد

الاولیاء بر میزند و در استن قصه وی کند که حال او غلام خواجه
بود که در کتیب دیده ایم و از غناستیند ایم پس او را زود باز کرد
برزد و بعضی از بود او را شناختند و خواستند که نگاه قصه
وی کنند و به پیش بجز رفتند و مشوره برزد و ایشان را می کرد
گفت از او است که در کتیب موصوفت شما او را قتل شواست کرد
و از غیر او است ناگشتن اولیست و تصدیق بجز کردند و ازان
قصه رجوع نمودند و بوطالب بعد ازان صد کرد و او را با خود
بسیار میبرد و در سال چهارم از مولد حضرت رسالت صلوات
الله و سلامه علیه حرب قارانی در میان موازن و تویس واقع شد
و حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام در آن کار حاضر بود و فرود
که تویس می دیدم و به خوشی خود میدادم و در وانی و بر لاف است
این حرب در سال بیستم از مولد آن حضرت بود و چون حکایت قار
میکردند میفرمود که من در آن حرب حاضر شدم و چند تیر از او ختم
و دوست می دادم که هر آن تیر نینداخته بودی و در سال صد هم
از مولد حضرت رسالت صلوات الله و سلامه علیه اکا و اشراف
این فرزندان شروانی را از سلطنت منزول کردند و در هر دو چشم
وی مساز گرفتند و در سال نوزدهم از مولد حضرت رسالت علیه الصلوة
والسلام هر روز او قتل کردند و در سلطنت یازده سال و هفت ماه
و در روز بود و قوی است که در آن روز سال بود و فرزندان را بر سلطنت

King Saïud Div

King Saïud Div

Handwritten marginal note in the left margin.

Handwritten marginal note at the bottom of the left page.